



حکومت ماد ها

معنی مشترک نامهای خونیرث، ائیرینه وئجه، [مها]بهاراته و آریاورته

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی

انتشار: ۱۸ اسفند ۱۳۹۳ ۱۲۰ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

امروز سر کلاس تفریحی نقاشی توانستم معنی مشترک این نامها را در زبان اوستایی و سانسکریت به ترتیب به معنی سرزمین ارابه های درخشان (خونی-رث)، سرزمین ارابه های شریف و مقدس (ائیرینه-ویجیه) و سرزمین [بزرگ] ارابه های با شکوه ([مها]-بهار-رث) و سرزمین ارابه های شریف (آریا-ورته) دریابم و با توجه به توصیفات هرودوت از فرهنگ اسکیتان جای اصلی این سرزمین را در نواحی شمالی اوکراین جستجو نمایم. این نتیجه یادداشت نویسی چند روزه از لغات سانسکریتی اوپانیشادها است.

معنی مشترک نامهای خونیرث، ائیرینه وئجه، [مها]بهاراته و آریاورته



امروز سر کلاس تفریحی نقاشی توانستم معنی مشترک این نامها را در زبان اوستایی و سانسکریت به ترتیب به معنی سرزمین ارابه های درخشان (خونی-رث)، سرزمین ارابه های شریف و مقدس (ائیرینه-ویجیه) و سرزمین [بزرگ] ارابه های با شکوه [مها]-بهارت) و سرزمین ارابه های شریف (آریا-ورته) دریابم و با توجه به توصیفات هرودوت از فرهنگ اسکیتان جای اصلی این سرزمین را در نواحی شمالی اوکراین جستجو نمایم. این نتیجه یادداشت نویسی چند روزه از لغات سانسکریتی اوپانیشادها است.

در ضمن در یافتن که یمه در سانسکریت سوای مطابقتش با اسکیت (شاه اسکولو= یام/جام) همچنین به صورت یامه به معنی «[فرمانروای سرزمین] ارابه» مطابق با آریوکسائیس اساطیر اسکیتی به معنی فرمانروای سرزمین ارابه است که این هم به نوبه خود از سوی دیگر مطابق نام تهمورث پیشدادی شاهنامه (یعنی پهلوان سرزمین ارابه) است. از سوی دیگر در یافتن که در ترجمه تاریخ هرودوت ابزار طلایی مقدس نازل شده بر پسران تارگیتای همان طور که محمد جواد مشکور آورده است، در اساس عبارت بوده اند از گردونه (= ورته، به نشانی سرزمین مردم آریوکسائیس)، تبر (نشانه تاورها) و پیاله زرین (سمبل اسکیتان) که در برخی منابع در ترجمه تاریخ هرودوت به جای گردونه ترجمه دیگری از آن را به صورت گاوآهن و زنجیر آورده اند.

در بعضی جاها به سهو آریاورته به همین معنی جایگاه آریائیها و در بعضی جاها به معنی چمنزار آریائیها آورده اند ولی آن بدین معانی مأخوذ از واژه یورت است که به معنی چمنزار و مسکن از زبانهای ترکی و مغولی به ایران و هند رفته است. به گفته استاد پورداد در فرهنگ ایران باستان کلمه ورته طبق قاعده تبدیل "و" به "گ" ریشه واژه گردونه است. وردنه نیز از این ریشه است. نظر به این دو کلمه فارسی صورت ورته آن نیز وجود داشته است. ورت پهلوی ریشه واژه گرد است. لذا نام آریاورته ریشه اوستایی و سانسکریتی دارد. چون در لغات سانسکریت هم واژه ورته در

کلمات **وَرْتی** (چیزی که می چرخد) و **وَرْتیته** (گردیده، گرد) حفظ شده است. به احتمال زیاد **ورطه** عربی نیز از این اوستایی و سانسکریتی ریشه بوده در اصل به معنی جایی است که آب می چرخد (گرداب)؛ چون در قاموس قرآن این لغت ذکر نشده است.

در اساطیر اسکیتی **پادشاه سرزمین ارابه ها** (آریوکسائیس)، فرمانروای **روسها** (تراسپیان) و **مجارها** (کاتیاریان) ذکر شده است. این می رساند که در اساس **سرزمین سردسیری ارابه ها** - که ریگ ودا و وندیداد تحت عناوین آریاورته و ایرانویج در مورد آن می گویند "در آن صد زمستان و صد خزان روی داده است" و "ده ماه در آن زمستان است" - در نواحی سردسیری بین اوکراین، روسیه سفید و روسیه قرار داشته است.

در این رابطه بسیار جالب است که نام بومیان باستانی اوکراین یعنی **تائور** و حتی نام کنونی ایشان یعنی **روتین** را می توان از ریشه های لاتینی **tour** و **rote** به معنی **گردش و چرخ** گرفت.

مقاله اروپا و فرنگ را - که در آن از پسران تارگیتای هرودوت به تفصیل یاد کرده و ضمن آن به پادشاه اساطیری موطن اولیه هندوایرانیان باستان در شمال دریای سیاه اشاره شده نموده ام- در اینجا ضمیمه می نمایم:

اروپا و فرنگ در اصل نامهای یونانی و ایرانی سرزمین وِندها (لهستان) بوده اند

گفته میشود **اروپا** (به یونانی Ευρώπη) در اساطیر یونانی بر جای مانده از عهد کهن یک شاهزاده خانم فنیقی به شمار رفته است. او دختر **آگنور Agenor** (قهرمانانه) - و یا در برخی از اسطوره ها فوئه نیکس Phenix- پادشاه فینیقیه بود. زئوس به شکل یک گاو نر این دختر جوان را اغوا و پس از ربودن به اروپا آورد و نام اروپا از روی نام وی بر قاره اروپا تعلق گرفت.

نام قاره **اروپا** در شکل **ایو-اروپا** (Eu-oropa, ευ-οροπα) در یونانی به معنای **فلات خوب و زیبا** است، گرچه این وجه اشتقاق را در نیافته و معنی نامناسب پیشانی گسترده (Eury-ope) را برای آن منظور نموده اند. در تأیید این گفته می دانیم که این معنی فلات خوب و زیبا همچنین مفهوم نام قدیمی ایرانی **اروپا** یعنی **آفرنگ (فرنگ)** "**سرزمین زیبا و با شکوه**" است. اینها همین طور یادآور و مترادف نامهای لهستان (= Lendia) به معنی جلگه مسطح و مساعد و **وندیا** (venetia venedia)، به معنی **سرزمین زیباییان و مردم دوست داشتنی** است. اما نام اروپا از سوی دیگر در زبان سکایی به شکل **هئو-روپه** (hao- rupa) به معنای "دارای چهره زیبا" است که این به خوبی با نام و نشان **اله اروپا** همخوانی دارد:

در اسطوره یونانی مربوط به الهه و سرزمین اروپا، چهار نام قابل توجه وجود دارد: **فنیقیه** (ارغوانی)، **زئوس**

(درخشان)، **اروپا** (ایو-روپا) و **گاونر سفید**. این چهار نام همدیگر را نه در سرزمین **فنیقیه** (لبنان)- که در زمان هردوت تصور شده است- بلکه در نام سرزمین **فین-ایک-یه** (سرزمین زیبا) پیدا می کنند که نام لاتینی و ژرمنی سرزمین **وِندها** (زیبایان) بوده است. در این رابطه همین طور تشابه نام **فین-ایک-یه** با فنلاند (سرزمین "فِن = باتلاقی") صرفاً ظاهری است. اما این چهار نام اساطیری در فرهنگ و جغرافیای تاریخی سرزمین **وندها** (مردم زیبا و خوب) به روشنی به هم می رسند: در اینجا زئوس و الهه اروپا به ترتیب جایگزین **سوانتویت** Svantevit (سرور مقدس) خدای بزرگ **وندها** - بالتیکها و همسرش **سیو** (نورانی یا سفید) بوده است که از این الهه در اساطیر اسکاندیناوی تحت نام **سیف** (به عنوان مادر ایزد آتش و شکار ثول) به عنوان **زیباترین در میان زنان** یاد شده است. خود الهه زیبایی در نزد سکاها **آرگیم پسه** (آراسته به زیبایی بسیار) بوده است. نام اسکیتی (سکایی) **هئوروپه** (زیبا شکل) به عنوان نام این الهه و سرزمین اروپای اصلی و خود نام سرزمین **وندها** (زیبایان) مرتبط است. خواهیم دید واژه سکایی و سانسکریتی **هئوروپه** (زیبا شکل) در نام اوستایی و سکایی **تخمو-او-روپه** (پهلوان سرزمین زیبا) مشهود مانده است. یونانیان در نام این الهه فقط **هئو** سکایی یعنی خوب را با **ایو** (خوب، زیبا) در زبان خویش جایگزین نموده اند. سرانجام در این اسطوره **گاو سفید اساطیری** (به زبان سلتی-andero-) نامش با نام مردم **آندروفاق** (مردم زیبا) مربوط بوده است که نام رسمی مردم **وِند** در نزد هردوت است. اما هردوت به سهو این نام نیمه یونانی و نیمه ژرمنی را خالص یونانی شمرده و آن را به معنی مردم خوار گرفته است.

در این رابطه گفتنی است نام دیگر **وندها** یعنی **آنتاها** را هم می توان مردم زیبا و فرشته گونه معنی نمود. معنی دشت مساعد و مسطح نامهای **لهستان** در نام سکایی (اسکیتی) **ائوختایان** (مردم سرزمین مسطح) دیده میشود که نام سکایی مردم سمت لهستان بوده است. بسیار جالب است که هردوت نام پادشاه اساطیری ائوختایان را **لیپوکسائیس** آورده است که در زبان اسلاوی- سکایی به معنی **پادشاه سرزمین زیباست**. بنابراین معنی نامهای مختلف **وندها** (آندروفاقها، آنتاها) به معانی مردم زیبا و مردم سرزمین زیبا بوده است. این معنی در کلمه **اسلاواک** و **اسلوون** که به معنی مردم نجیب و شریف و زیبا که گروههایی از **وندها** بوده اند باقی مانده است. کلمه **اسلاو** به عنوان نام عمومی ملل اسلاو در اساس ربطی با آن نداشته و مأخوذ از کلمه سکایی **اسکلاو** (اسکولو یعنی مردم دارای جام آیینی یا توتم بزکوهی) است. هردوت نام **لیپوکسائیس** و ائوختایان را در اسطوره سکایی پسران تارگیتای ذکر کرده است.

این اسطوره سکایی حاوی اطلاعات مهمی در مورد قبایل باستانی بزرگ اروپای شرقی است ولی محتوی آن نه تنها هنوز کشف نشده، حتی مورد توجه کافی هم قرار نگرفته است. بنابراین من این متن ارزشمند را از کتاب معروف هردوت پدر تاریخ می آورم. و در این رابطه با استفاده از تجارب دیگر محققان گذشته و به کار بردن لغات زبان های اسلاوی و سانسکریت و زبانهای ایرانی معانی نامهای سکایی را پیدا کرده و در پرانتز در مقابل نام مربوطه متن قرار داده ام. طبق طومارهای تورفان زبان سکاها سلطنتی یک زبان ایرانی است که مخلوطی با لغات زبان سانسکریت یعنی خویشاوند نزدیک زبانهای ایرانی است:

"خود اسکیتان (مردم دارنده جام) [یا **سکاها** (مردم دارنده قوچ وحشی)] ادعا دارند که جوانترین مردم بر روی زمین هستند. منشاء آنها به قرار زیر بوده است. مرد نخستین که در این کشور هنگامی که آن هنوز خالی از سکنه بود،

متولد شد، **تارگیتای-ئوس** Targitaos (پدر انسان ها) نام داشت. طبق گفته ایشان والدین این **تارگیتای**- که به نظر من (هرودوت) معتبر نمی رسد، اما در واقع این گونه می گویند - زئوس و دختر رودخانه بوریستن (دنیپر) بوده است. به هر حال بنابراین گفته تارگیتای این چنین منشأیی داشته است. او خود صاحب سه پسر شد: **لیپوکسائیس** Lipoxais (پادشاه مردم زیبا)، **آریوکسائیس** Arpoxais (پادشاه سرزمین ارابه) و جوانترین شان **کولاکسائیس** Kolaxais (پادشاه قبایل بسیار). در زمان حکومت آنها از آسمان ظروف طلایی مقدس در کشور سکاها نازل شد، یک **گاواهن** (نماد یوئه چی ها)، یک **قید** (نماد هپتالان)، یک **تبر** (نماد تائورها) و یک **پپاله** (نماد سکاها). پسر بزرگتر که آنها را دید، پیش رفت و خواست که آنها را بردارد، اما وقتی نزدیک شد این اشیاء طلایی گداخته شدند. پس او از آنجا رفت. حالا برادر دوم به آنجا آمد اما باز اشیاء طلا گداخته شدند. این دو برادر از گداختن اشیاء طلایی وحشت زده شدند. اما زمانی که برادر سوم، جوانترین آنها، به آنجا رسید، آن اشیاء خاموش بود، و او آن ها را تصاحب کرده به خانه برد. برادران بزرگتر این حادثه را تفسیر [تصمیم قدرت ماوراء الطبیعه] نموده و قدرت سلطنتی سرزمینهای سکاها را به جوانترین برادر خود تسلیم نمودند.

از **لیپوکسائیس**، آن سکاها (اسکیتان) پدید آمدند که موسوم به **ائوختیان** (مردم جلگه گود و مسطح) هستند. از برادر میانی یا همان **آریوکسائیس**، **کاتیارها** (مردم غیبگو و جادوگر) و **تراسپیان** (کسانی که سه اسب به ارابه خود می بندند) به وجود آمدند. از جوانترین ایشان **کولاکسائیس** سکاها ی پادشاهی موسوم به **پارالاتها** (پیشدادیان، آبرفرمانروایان پیشین) پدید آمدند. همه با هم به نام نخستین پادشاهشان **اسکولو** [ت] (**اسکلاو** [ها] / **اسلاو** [ها])، یعنی مردم دارنده جام) نامیده میشوند. هلنی ها (یونانیان) همه آنها را **اسکیث** (یعنی دارندگان جام مقدس) می نامند. این چنین می گویند **سکاها** در مورد منشاء خودشان".

همانطور که گفته شد نام **لیپوکسائیس** به معنی پادشاه مردم زیبا و خوب و نام مردمش **ائوختات** (مردم دشت مسطح و جلگه) مطابق با نامهای **وند** و **لهستان** است. در واقع ریشه خود نام لهستان یعنی **لخ** (از آلمانی *lega*) به معنی محل مسطح ترجمه دیگر نامهای قدیمی آن (ائوختات، ایوروپا و لندیا) است.

نام دومین پسر تارگیتای یعنی **آریوکسائیس** به معنی پادشاه سرزمین ارابه است و دو قوم منسوب به او یعنی **تراسپیان** (کسانی که سه اسب به ارابه خود می بندند) و **کاتیاران** (پیشگویان، جادوگران) به ترتیب عبارتند از **روس** ها (مردم بیشه ها) و **هنگریها** (مجارها = اونگورها، پیشگویان، جادوگران). هرودوت نام این مردم اخیر را تحت نام **نئور** (جادوگر، پیشگو) ذکر کرده و می گوید که آنها گاهی به شکل گرگ در می آیند. می دانیم که **مجارها** در زمان سنت سیریل دارای همان سنت زوزه کشی همانند گرگ بوده اند. در باب نام سکایی قدیمی روس ها یعنی **تراسپیان** (کسانی که سه اسب به ارابه خود = Arpo- می بندند) یک اسطوره مشهور روسی این طور می گوید: سومین و جوانترین پسر تزار شده موفق شد به اهلی سه اسب دریایی شد که یکی از آنها خورشید و دومی ماه و سومی ستاره در پیشانی خود داشت. با رام کردن این سه او موفق به همه گله اسبان دریایی شد کاری دو برادر بزرگتر او بدان موفق نشده بودند.

سومین پسر تارگیتای **کولاکسائیس** (پادشاه قبایل بسیار) بوده که نام دیگر او به عنوان نیا-پادشاه قبایل اسکیتی (سکایی) [یا نام اساطیری دیگر موازی نام او] **اسکلاو** یا **اسکولو** یعنی شاه صاحب جام بوده است. نام معادل او در پیشدادیان ایرانی **یمه خشثه** (جمشید، شاه دارای جام درخشان) است که در اساطیر ایرانی نیا-پادشاه مردمانی در سمت قفقاز به شمار آمده است. از قبایل سکایی - سئورومتی که در عهد باستان در اروپای شرقی و آسیای مرکزی

فرمان رانده اند **اوستیها** در قفقاز و **کروواتها** (haorovaδaen = کسانی که به طور کامل جوشن پوشیده اند) و **صربها** (تیراندازان) در بالکان باقی مانده اند. نامهای باستانی آنها به ترتیب **آلان** (ماساگت، مردم دارای توتم گوزن)، **رکسولان** (آلانهای درخشان، **آمازون** = به طور کامل مسلح) و **سئورومات/سرمت** (تیراندازان = یازیک، ایسدون) بوده است. در اوایل در قرن دوم پس از مسیح از **آتلیوس راسپاراگانوس** به عنوان پادشاه رکسولانهای اسکیتی و یازیکهای سئوروماتی/سرمتی نام برده شده است. از وی دو سنگنوشته در **کرواسین** بر جای مانده است. به گفته هرودوت، سئوروماتها دو زبانه بودند. این دو زبان، سکایی غربی (اسلاوی) و سکایی شرقی (آمازونی- ایرانی) بوده است. نامهای **آریوکسائیس** و **کولاکسائیس** در کتاب مقدس و قرآن به ترتیب تحت عنوان **آریاکشاد** و **شعیب** (رهبر قبایل) پیامبر در زمین **ایکه** (سرزمین بیشه ها = roshia، روسیه) آمده است. یک واریانت از نامهای این پسران **تارگیتای** و **پارالاتهای** (حاکمان برتر نخستین) آنها در اوستا در شمار **پیشدادیان** (حاکمان برتر نخستین) ذکر شده اند. نامهای **لیپوکسائیس** (پادشاه سرزمین زیبا) در اساطیر اوستایی **تخمو-اوروپه** (پهلوان سرزمین زیبا) و **هئوشینگه** (دارای سرزمینهای خوب) آمده است و نام **آریوکسائیس** (پادشاه سرزمین ارابه) به صورت تهمورث (پهلوان سرزمین ارابه) بیان شده است. جزء اروپه "u-rupa" (هئو-روپه، دارنده شکل خوب و زیبا) در نام اوستایی **تخمو-او-روپه** به وضوح شامل شکل و معنی سکایی نام **الهه اروپا** و خود مفهوم نام **لیپوکسائیس** (فرمانروای سرزمین زیبا) است. هرودوت از سمت ژرمنها تحت دو نام سکایی و یونانی تنها از دو قوم به اسامی **آریماسپیان** (دارندگان اسبهای آرام، اسبان ارابه) که دارای خدای یک چشم بوده اند و **هیپربوره ها** (مردمان آن سوی شمال) نام برده است که به ترتیب **گوتهای گپید** (گوتهای دارای اسبان آرام) و **نروژی ها** (نور-آویگن ها= مردمان پشت شمال) بوده اند.

منابع و مأخذ عمده:

- ۱- تاریخ ایران باستان، تألیف حسن پیرنیا
- ۲- تاریخ هرودوت، تألیف هرودوت هالیکارناکوس، ترجمه غ. وحید مازندرانی
- ۳- نخستین انسان و نخستین شهریار در تاریخ افسانه ای ایران، تألیف آرتور کریستن سن، ترجمه احمد تفضلی و ژاله آموزگار.
- ۴- ایران در عهد باستان، تألیف محمدجواد مشکور
- ۵- دینهای ایران باستان، تألیف هنریک ساموئل نیبرگ، ترجمه دکتر سیف الدین نجم آبادی.
- ۶- فرهنگ نامهای اوستا، تألیف هاشم رضی
- ۷- فرهنگ لغات سانسکریت، ترجمه دکتر سید محمدرضا جلالی نائینی

۸- فرهنگ لغات اوستایی، تألیف احسان بهرامی

۹- سارماتها، تألیف تادئوتس سولیمیرسکی، برگردان دکتر رقیه بهزادی

۱۰- سکاها، تألیف تامارا تالبوت رایس، ترجمه دکتر رقیه بهزادی

۱۱- قومهای کهن در قفقاز و ماوراء قفقاز، بین النهرین و هلال حاصلخیز، تألیف دکتر رقیه بهزادی

۱۲- قومهای کهن در آسیای مرکزی و فلات ایران، تألیف بهزادی.

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «معنی مشترک نامهای خونیرث، آئیرینه وِیجه، [مها]بهاراته و آریاوترته»، پارسیان دژ، ۱۳۹۳.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<https://parsiandej.ir/articles/1615/pdf/معنی-مشترک-نامهای-خونیرث-ائیرینه-و-آریاوترته.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۱۲ مرداد ۱۴۰۵